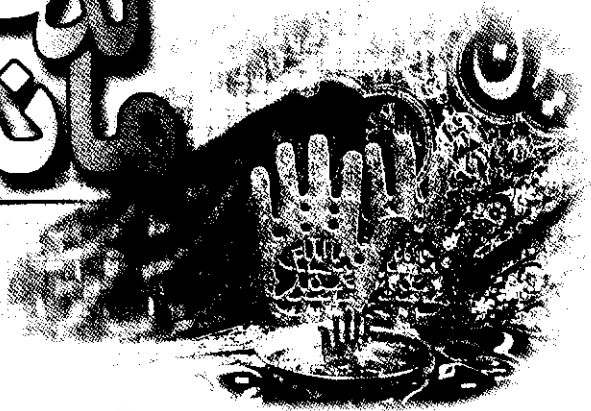


لذت‌های ماندگار

علی اصغر قهیری



لذت‌طلبی انسان

انسان یک موجود لذت‌گرا و زیبا دوست است و از هر چیزی که مانع لذت او شود متنفر است.

برای برطرف کردن موانع لذت، آشنایی با فرهنگ لذت حقیقی لازم و ضروری است؛ چرا که اگر انسان با فرهنگ صحیح لذت آشنا نباشد، نمی‌تواند موانع آن را برطرف و طعم خوش آن را احساس نماید.

از نکات قابل توجه در مورد فرهنگ لذت این است که بدانیم ماندگارترین لذت‌ها کدام است؟ پاسخ سؤال فوق، راه جدیدی را به روی ما می‌گشاید و ما را در رسیدن به لذت

حقیقی رهنمون می‌شود.

لذت‌های انسان را می‌توان به دو قسم تقسیم نمود:

- ۱- لذت‌های مادی و دنیوی
 - ۲- لذت‌های معنوی و اخروی
- تفاوت لذت‌های مادی و معنوی

مهمترین تفاوت لذت‌های دنیوی و اخروی در این است که لذت‌های دنیوی به مرور زمان موجب دلزدگی و رنجش خاطر انسان می‌شوند؛ مثلاً تکرار خوردن یک نوع از لذت بخش‌ترین غذاها انسان را دچار دلزدگی می‌نماید و درجه لذتش را کاهش می‌دهد.

نکته فوق را می‌توان از مهمترین

گواراترین نوشیدنی‌ها و ارضاء غرایز به ویژه غریزه جنسی در این دنیا، سرانجام انسان را دچار دلزدگی می‌کند؛ اما همین لذت‌ها در آخرت هرگز ملال‌آور نیست.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۱ «به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغ‌هایی از بهشت برای آن‌هاست که نهرها از زیر درختانش جاری است، هر زمان که میوه‌ای از آن به آنان داده شود می‌گویند: این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود [ولی این‌ها چقدر از آن‌ها بهتر و عالی‌تر است.] و میوه‌هایی که برای آن‌ها آورده می‌شود همه از نظر خوبی و زیبایی یکسانند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است و جاودانه در آن خواهند بود.»

علل و عوامل نوآوری و تنوع در امور لذت‌انگیز دانست. انسان از یک سو به دنبال کسب لذت است و از سوی دیگر لذت‌های دنیوی با تکرار ملال‌آور می‌باشند، از این رو این لذت‌ها او را اشباع نکرده و به مرور زمان کارهای لذت‌انگیز همیشگی‌اش به منفورترین آن‌ها تبدیل می‌شود و همین امر سبب می‌شود تا به کارهای جدیدتری کشانده شود.

به عنوان مثال در دنیای غرب، برای درک لذت بیشتر، روزی به آزادی مطلق و اختلاط دختران و پسران رأی می‌دهند و روز دیگر به همجنس‌بازی و سپس به آمیزش با حیوانات می‌گیرند. این همه به خاطر ویژگی لذت‌های دنیوی است که بر اثر تکرار و مداومت از درجه لذت کاسته شده و انسان به راه جدیدی برای اشباع خود کشانده می‌شود.

اما در لذت‌های معنوی و اخروی ویژگی فوق وجود ندارد. در آخرت گرچه انسان از نعمت‌ها به طور مداوم استفاده می‌کند، اما هرگز دچار دلزدگی و رنجش خاطر نمی‌شود، خوردن لذیذترین خوراکی‌ها و نوشیدن

بعضی از لذت‌های معنوی دنیا

توجه به امور معنوی از جمله کارهای لذت‌انگیز در این دنیا است که هرگز ملال‌انگیز نبوده و تکرار آن زمینه رسیدن انسان به اوج لذت را فراهم می‌کند. به عنوان مثال به چند نمونه از این امور اشاره می‌شود.

۱- اقامه نماز

این کار گرچه در زندگی انسان بارها تکرار می‌شود، اما نه تنها دلزدگی و رنجش خاطر ایجاد نمی‌کند بلکه تکرار آن سبب فراهم شدن لذت بیشتر می‌شود.

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «نماز» را نور چشم خود دانسته و به اشتیاق خود بر مداومت آن تصریح فرموده است.

آن حضرت می‌فرماید:

«جَعَلَ اللهُ جَلَّ ثَنَاءُهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَحَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعُ الطَّعَامَ وَالْإِيَّامُ الطَّمَانِ الْمَاءَ وَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَإِنَّ الطَّمَانِ إِذَا شَرِبَ رَوَى وَأَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ»^۱ خداوند جلّ ثناءه نور دیده مرا در نماز قرار داده و نماز را محبوب

من گردانید، همچنان که غذا را محبوب گرسنه و آب را محبوب تشنه قرار داد. [با این تفاوت که] گرسنه هرگاه غذا

بخورد سیر می‌شود و تشنه هرگاه آب بنوشد سیر آب می‌شود؛ اما من هرگز از نماز سیر نمی‌شوم.»

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نیز در ظهر روز عاشورا؛ هنگامی که دشمن خیال کشتن او را در سر می‌پروراند، به اقامه نماز توجه ویژه داشت و با آخرین نماز خود، مراتب بندگی و اطاعت خود از خداوند را به نمایش گذاشت.

ابو ثمامه صائدی (صیداوی) هنگامی که خبر از رسیدن وقت نماز داد، حضرت او را این چنین دعا کرد: «ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛ نماز را یاد کردی، خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد.»^۲

۲- تلاوت قرآن

تلاوت قرآن نیز از اموری است که تکرار آن از حلاوت و شیرینی لذت‌انگیزش نمی‌کاهد.

مرحوم محدث قمی نقل کرده است که: حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام با مردم کم سخن می‌گفت. گفتار و پاسخ و

۱- میزان الحکمة، ترجمه شیخی، ج ۷، ص ۳۰۹۲، حدیث ۱۰۵۳۵.

۲- الارشاد، شیخ مفید، ص ۴۵۸؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱.

مثال‌هایی که در ضمن سخنانش می‌آورد از قرآن نشأت گرفته بود. آن حضرت هر سه روز یک بار قرآن را ختم می‌کرد و می‌فرمود: «اگر بخوام می‌توانم در کمتر از سه روز نیز قرآن را ختم کنم؛ اما به هیچ آیه‌ای نمی‌رسم مگر آن که در معنایش تفکر می‌کنم.»^۱

لذت تکرار تلاوت قرآن تا آن جاست که حضرت سیدالشهدا علیه السلام حتی پس از شهادت و هنگامی که سر بریده و مطهرش را بر نیزه کرده بودند، قرآن تلاوت می‌کرد. مرحوم محدث قمی می‌نویسد: از «زید بن ارقم» روایت شده است که گفت: هنگامی که سر مقدس امام حسین علیه السلام و یارانش را حرکت می‌دادند، من در غرّفه خود بودم. همین که سر مقدس امام علیه السلام مقابل من رسید، این آیه را تلاوت نمود: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»؛^۲ «مگر پنداشتی اصحاب کهف و رقیم [خفتگان غار لوحه‌دار] از آیات شگفت ما بوده‌اند؟» به خدا سوگند! مو بر بدنم راست شد و فریاد زد: ای پسر رسول خدا! به خدا سوگند که داستان سر مقدس تو از داستان اصحاب کهف و

رقیم عجیب‌تر است.»^۳

۳- نوکری اهل بیت علیهم السلام

یکی از کارهایی که مانند قرآن و نماز تکرار آن ملال‌آور نیست و لذت به دست آمده‌اش فروکش نمی‌کند، نوکری در دستگاه با عظمت اهل بیت علیهم السلام است.

نوکران این دستگاه از کارهای تکراری مانند اقامه عزاداری آن بزرگواران به ویژه سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام، ملول نسبی شوند و تکرار این عبادت پرثواب، دلزدگی و رنجش خاطر به دنبال ندارد.

نوکری اهل بیت علیهم السلام و خدمت در این راه، انسان را از لذت حقیقی بهره‌مند ساخته و زمینه را برای رسیدن به اوج لذت‌های معنوی فراهم می‌سازد.

«قنبر» غلام و نوکر امیر مؤمنان علیه السلام بود. او به خاطر همین سمت بزرگ، مورد احترام همگان بود.

روزی هنگام عبور از مقابل

۱- انوار البهیة، ترجمه اشتهاردی، ص ۳۳۱.

۲- کهف/ ۹.

۳- منتهی الآمال، ص ۴۸۳.

جلادان خون آشامی چون حجاج داد.^۱
قنبر جز خدمتکاری و نوکری
امیر مؤمنان علیه السلام کساری نمی کرد،
کارهایش نیز تکراری بود؛ اما از تکرار
این کار لذت انگیز خسته نشد و ملالی
به خاطرش نرسید.

امروز هم هر کسی که ادعای
محبت اهل بیت علیهم السلام را دارد، از نوکری
در مجالس عزاداری آن بزرگواران
خسته نمی شود و لذتش بر اثر تکرار
فروکش نمی کند.

اقامة عزاداری امام حسین علیه السلام
لذتی دارد که ملال آور نیست تا
دلزدگی داشته باشد.

رسول گرامی اسلام قبل از
شهادت امام حسین علیه السلام به این حقیقت
اشاره کرده و می فرماید: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ
حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَنْبَرِدُ أَبَدًا»^۲
برای شهادت حسین علیه السلام حرارت و
گرمایی در دل های مومنان است که
هرگز سرد و خاموش نمی شود.»

اهل بیت علیهم السلام و زنده نگهداشتن یاد
و خاطرة امام حسین علیه السلام و شهیدان

گروهی از مردم، به طور
شگفت انگیزی مورد احترام حاضران
قرار گرفت. آنان با دیدنش یکباره از جا
برخاسته و او را مورد احترام قرار
دادند. هنگامی که خبر برخورد
محترمانه مردم با غلام امیر مؤمنان علیه السلام
به آن حضرت رسید، فرمود: «مبادا این
احترام ها سبب اذیت و آزار قنبر شود و
کینه توزان و حسودان طاقت نوکریش
را نداشته باشند...»

پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام، در
دوران غصب خلافت توسط
سر سلسله خاندان جنایت یعنی معاویه
بن ابی سفیان، قنبر را دستگیر کردند.

«حجاج بن یوسف» او را مورد
خطاب قرار داد و گفت: تو در خانه
علی چه می کردی؟ قنبر پاسخ داد:
کارهای منزل او را انجام می دادم و آب
وضو برایش حاضر می نمودم. پس از
گفت و گویی که رخ داد، حجاج پرسید:
آیا مولایت به تو خبر داد که چگونه
کشته می شوی؟

قنبر پاسخ داد: آری! مولایم
فرمود: مرا ذبح خواهید کرد.

سرانجام این نوکر دل سوخته در
راه عقیده خود جان باخت و سر به تیغ

۱- اقتباس از منهاج الدعوی، شیخ علی قرنی
گلپایگانی، چاپ چهارم.

۲- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۸.

کربلا

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: «علی بن الحسین علیه السلام [به یاد عاشورا] بیست سال گریست و هرگز طعامی پیش روی او نمی گذاشتند، مگر اینکه گریه می کرد.»^۱

۲. مرحوم مجلسی نقل کرده است که: «زید بن شحام» می گفت: «من با گروهی از مردم کوفه در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم. «جعفر بن عقیان» خدمت آن حضرت آمد. امام علیه السلام او را احترام کرد و نزد خود نشانید. آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: مرثیه می سرایی؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود: بخوان. جعفر اشعاری خواند و ضمن آن به مصائب امام حسین علیه السلام اشاره نمود.

امام صادق علیه السلام گریست و قطرات اشک، محاسن مبارکش را گرفت و حاضران نیز گریستند. آنگاه حضرت فرمود: به خدا سوگند! ملانکه و فرشتگان مقرب خدا در اینجا حاضر شدند. ای جعفر! خداوند بهشت را بر تو واجب کرد و گناهان تو را آمرزید.

سپس فرمود: ای جعفر! می خواهی بیشتر بگویم؟ عرض کرد:

آری. حضرت فرمود: هر کس در مصیبت حسین شعری بگوید و بگرید یا بگریاند خداوند بهشت را برایش واجب و تمام گناهان او را بیامرزد.^۲

۳. امام هشتم، حضرت رضا علیه السلام به «دعبل خزایی» (شاعر اهل بیت علیهم السلام) فرمود: «ای دعبل! دوست دارم شعری بخوانی، چرا که این روزها روز اندوه و غمی است که بر ما خاندان رفته است.»^۳ آن ایام همزمان با فرارسیدن ایام شهادت امام حسین علیه السلام بود.

در روایت دیگری آمده است که حضرت فرمود:

«فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيُنَبِّئِكِ الْبَائِسُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحْطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ؛^۴ گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین علیه السلام گریه کنند، چرا که گریستن بر او گناهان بزرگ را فرو می ریزد.»

عاشقی نمونه

هر کدام از شهیدان کربلا و یاران امام حسین علیه السلام که تا پای جان ایستادند

۱- همان.

۲- جلاء العیون، مجلسی، ص ۵۲۳، به نقل از رجال کشی، ص ۵۷۴.

۳- جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۷.

۴- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳.

و با شهادت خود، نوکری خویش را به اثبات رساندند، ویژگی‌های منحصر به فردی داشتند. یکی از این شهیدان و الامقام، غلام سیه چهره‌ای به نام «جون» است که تمام افتخارش نوکری در خانه اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام بود.

وی اول از غلامان ابوذر - سلام الله علیه - بود که خود افتخار نوکری و شاگردی امیر مؤمنان علیه‌السلام را داشته است. پس از شهادت امیر مؤمنان علیه‌السلام، «جون» در رکاب امام حسن علیه‌السلام نوکری می‌کرد و پس از شهادت آن حضرت، گوش به فرمان امام حسین علیه‌السلام بود.

سابقه نوکریش طولانی است، اما با این وجود هرگز از تکرار وظایف نوکری ملالی به خاطرش نرسید و از درجه لذت و صف‌ناپذیرش کاسته نشد. وی در کربلا با نهایت فداکاری زمینه فتح قلعه لذت خود را فراهم کرد و در رکاب معشوق، عشق رازنده کرد. در روز عاشورا، به محضر امام علیه‌السلام آمد و عرض کرد: اجازه بفرمایید به میدان بروم و جان ناقابلم را فدایتان سازم. امام علیه‌السلام فرمود: تو آزادی، برای ما خود را به مشقت مینداز.

«جون» عرض کرد: آیا من در راحتی باشم و شما را در سختی تنها بگذارم؟ به خدا قسم! هر چند بوی بدنم بد و حسَب و نسبم والا نیست اما به خدا قسم! هرگز از شما جدا نمی‌شوم تا خون سیاه من با خون شریف شما آمیخته شود.

سرانجام با شجاعت و صف‌ناپذیری پای به میدان گذاشت و با شجاعت و اشتیاق فراوان شربت شهادت نوشید و به ریاض جنت پرواز کرد.

پس از آن که «جون» به زمین افتاد، امام علیه‌السلام به بالینش آمد و در حقش چنین دعا کرد:

«خدایا بوی بدنش را معطر و روی او را سپید گردان.» از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام، پیکر پاره پاره این غلام و نوکر دل‌سوخته را دیدند، در حالی که بوی مشک از آن به مشام می‌رسید.^۱ و دعای امام حسین علیه‌السلام در حقش به اجابت رسید.

۱- نفس المهموم، ص ۲۹۰.